

اسنادی از افتتاحیه یک مدرسه ایرانی در نجف

به کوشش رحیم روح‌بخش

مقدمه

روابط فرهنگی ایران و عراق، به گذشته‌هایی نه چندان دور باز می‌گردد. وجود مقابر ائمه اطهار و عتبات عالیات در خاک امپراطوری عثمانی، عراق را که از جنگ جهانی اول و به دنبال فروپاشی عثمانی از آن امپراطوری جدا شد، به یک کشور زیارتی برای ایرانیان تبدیل کرده است؛ از همین رو به تدریج ارادت ایرانیان به شهرهای زیارتی عراق باعث شد که آنان در طول تاریخ میانه، به ویژه یکی دو سده اخیر، آن شهرها را به عنوان موطن و مسکن خود برگزینند. از سوی دیگر، وجود حوزه‌های علمیه معتبر همچون حوزه علمیه نجف با قدمت هزار ساله، بسیاری از طالبان علوم اسلامی را به این کشور سوق داد.

زندگی ایرانیان در عراق، به ویژه در نجف، مستلزم تأسیس برخی نهادها و مراکز آموزشی، اداری و غیره بود. معمولاً برای ایجاد چنین مراکزی، تجار، بازرگانان و به طور کلی خیرین پیشقدم می‌شدند. آنان به علت ارتباط دیرینه‌ای که با این کشور داشتند، نسبت به نیازهای ایرانیان ساکن در آن کشور آگاهی یافته و خود دست به کار می‌شدند. شاید یکی از مهم‌ترین این نیازها، لزوم تأسیس مراکز آموزشی بود، زیرا خطر از دست دادن فرهنگ و زبان فارسی و به طور کلی بی‌هویتی، ایرانیان مقیم آن کشور را تهدید می‌کرد.

بر این اساس، در این مقاله اسنادی چند از گزارش مفصل مراسم افتتاحیه یکی از مهم‌ترین مدارس ایرانی در عراق به علاوه دیدار هیئت اعزامی دولت ایران با مراجع تقلید وقت در سال ۱۳۴۱ ارائه می‌گردد. این اسناد بیانگر اهتمام ویژه ایرانیان مقیم عراق به حفظ علائق فرهنگ ایرانی است. یک نکته حائز اهمیت در این اسناد، این است که با وجود اینکه زمان وقوع این مراسم در آذرماه ۱۳۴۱، هم‌زمان با ماجرای مبارزه مراجع و نیروهای مذهبی در ایران با هیئت حاکمه در خصوص برخی مفاد تصویب‌نامه لایحه انجمن‌های

اسنادی از افتتاحیه یک مدرسه ایرانی در نجف/ رحیم روحبخش

ایالتی و ولایتی بود، در دیدار هیئت نخست وزیری با مراجع تقلید آیات عظام حکیم، خویی و شاهرودی، هیچ سخنی از این وقایع به میان نیامده است. به هر حال، اسناد این مجموعه (۱۰ برگ) برای اولین بار در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته و اصل اسناد با شماره پرونده ۴۴۸۵۶، در آرشیو مرکز اسناد نخست‌وزیری نگهداری می‌شود.

بخش اسناد

گزارشی از اعزام هیئت نخست‌وزیری به عراق جهت افتتاح به مدرسه ایرانی «جامعه‌النجف» و دیدار هیئت مذکور با مراجع تقلید

سند شماره ۱

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

آقای علی کمالوند از طرف نخست وزیری در مراسم افتتاح دانشگاه اسلامی (جامعه‌النجف) واقع در نجف اشرف شرکت نموده و گزارش داده است که خیلی قابل ملاحظه می‌باشد رونوشت گزارش مزبور به پیوست ایفاد می‌گردد. دستور فرمایید در آن قسمت مربوط به تقاضای حضرت آیت اله آقایان حکیم و خوئی می‌باشد، مطالعات و اقدامات لازم به عمل آورند.

نخست وزیر

اسداله اعلم [امضاء]

[مهر: صادر شود

سند شماره ۲

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

به عرض مبارک عالی می‌رساند

در اجرای امری ۴۳۲۰۸، ۱۳۴۱/۹/۲۶ برای شرکت در مراسم افتتاح دانشگاه اسلامی (جامعه‌النجف) روز جمعه سی‌ام آذرماه به اتفاق آقای محمد غروی به بغداد عزیمت و از طرف اعضاء سفارت شاهنشاهی مورد استقبال قرار گرفت. روز یکشنبه سرکنسول شاهنشاهی در کربلا برای آشنائی اینجانب با استاندار و شهردار و سایر شخصیت‌های دولتی و غیردولتی عراقی و ایرانی، ضیافتی به ناهار ترتیب داد که در محیط بسیار گرم و دوستانه‌ای برگزار شد. متولی حرم حضرت ابوالفضل هم روز سه‌شنبه ناهار در هتل کربلا

دعوتی نمود که استاندار و رئیس شهربانی و رئیس سازمان امنیت استان کربلا و نجف و سرکنسول ایران و عده‌ای دیگر از شخصیت‌های ایرانی و عراقی، در آن شرکت داشتند.

نظر آقای کاردار و آقای سرکنسول شاهنشاهی این بود که چنانچه از آقایان مراجع تقلید دیدنی به عمل آید، حسن اثر بسیار خواهد داشت. روی این نظر، کنسولگری ترتیب ملاقات با آقایان حکیم، خوئی، شاهرودی و زنجانی را داد. در ملاقات‌هایی که با هر یک از آقایان به عمل آمد، چون مسبوق به وعده قبلی بود، عده زیادی از علماء و روحانیون حضور داشتند (فقط آقای زنجانی تنها بود) مذاکرات مجلس چون جمعی حضور داشتند، صورت کنفرانس پیدا کرده بود. اظهارات بنده در اطراف علاقه شاهنشاه و جناب آقای نخست وزیر نسبت به تعظیم شعائر مذهبی بوده و مأموریت خود را دلیل بر این ابراز علاقه دانستم. آقایان هم در جواب هر یک، کم و بیش مطالبی در تأیید شاهنشاه و جناب آقای نخست وزیر بیان کردند. ضمناً آقایان حکیم و خوئی، تقاضاهایی از جناب آقای نخست وزیر به این شرح نمودند:

۱- آقای حکیم اظهار کردند به جناب آقای نخست وزیر از جانب من سلام بسیار برسانید و عرض کنید شیعیانی که به عربستان سعودی برای زیارت می‌روند، در اثر نبودن کنسولگری ایران در مدینه دچار مشکلاتی می‌شوند. ظاهراً از طرف وزارت خارجه هم مطالعات برای تأسیس کنسولگری در مدینه به عمل آمده است. خوب است جناب آقای نخست وزیر دستور بفرمایند در انجام این کار تسریع شود و دیگر اینکه قرار بوده است جای آبرومندی برای هیئت امیرالحاج که هر سال از ایران می‌آید ساخته شود و گویا زمین آن هم در نظر گرفته شده و اعتبارش هم تأمین گردیده است از طرف جناب آقای نخست وزیر، دستوری برای تسریع در انجام کار صادر شود.

۲- آقای خوئی اظهار کردند از طرف من به جناب آقای نخست وزیر سلام برسانید و دو مطلب را به عرض معظم له برسانید. یکی اینکه شنیده می‌شد در مهمانی‌های سفارت ایران در عراق، مشروبات الکلی صرف می‌شود و این کار در محیط مذهبی عراق، سوء انعکاس دارد. تقاضا داشتند از این کار ممانعت به عمل آید (این موضوع را آهسته و درگوشی به بنده گفتند و متذکر شدند. نخواستیم این مطلب در مجلس علناً گفته شود) دیگر اینکه در کشور سعودی، زائرین شیعه را کافر تلقی می‌کنند و برای آنها تزییقاتی فراهم می‌نمایند. خوب است دولت ایران برای رفع این مشکل، اقداماتی بنماید و مؤتمری از کشورهای اسلامی تشکیل شود و در آن اصول اسلام، بدون وارد شدن به چگونگی فرق مختلف آن توجیه گردد و حدودی برای تمیز بین مسلمان و غیرمسلمان تعیین گردد که دول اسلامی ملزم به رعایت آن باشند.

در خاتمه هر یک از جلسات ملاقات با حضرات آقایان، بنده با صدای بلند اظهار می‌کردم برای سلامت اعلی حضرت همایون شاهنشاه ایران، تنها پادشاه شیعه دنیا و جناب آقای علم نخست وزیر کشور شیعه ایران التماس دعا دارم و آقایان هم تأیید می‌کردند و با گرمی دعا می‌نمودند، مخصوصاً نام اعلی حضرت همایون را با احترامات شایسته‌ای ادا می‌کردند. این ملاقات‌ها فوق‌العاده خوب برگزار شد و انعکاس بسیار عالی در نجف و کربلا و بغداد پیدا کرد.

مراسم افتتاح دانشگاه اسلامی (جامعة النجف) عصر دوشنبه سوم دیماه با حضور جمعیتی بین شش

تا هشت هزار نفر برگزار گردید. در بین جمعیت، شخصیت‌های عراقی و ایرانی از طبقات مختلف بسیار بودند و متینگ عمومی بسیار بزرگی بود. در برنامه سخنرانی قرار بود که بنده نطقی ایراد نموده و قرآن و کتاب‌های اهدائی جناب آقای نخست وزیر را با مراسمی تسلیم نمایم. روز قبل از افتتاح متن نطق اینجانب با مشورت سرکنسول تهیه و به متصدی جشن داده شد. مأمورین سازمان امنیت عراق برای کنترل نطق‌ها مراجعه نموده، ترجمه نطق اینجانب را گرفته و با ایراد آن مخالفت کرده بودند. بعداً در اثر فعالیت آقای صیقل سرکنسول شاهنشاهی در کربلا و ملاقات و مذاکره ایشان با استاندار و رئیس سازمان امنیت استان موافقت گرفته شد. بعد از نطق‌هایی که به عربی ایراد گردید، بنده نطقی به فارسی ایراد نمودم که متن آن به پیوست تقدیم می‌گردد. در موقع سخنرانی، وقتی که بنده نام اعلی حضرت همایون شاهنشاه را به زبان آوردم، جمعیت به طور غیرمنتظره‌ای شروع به ابراز احساسات شدید و دست زدن ممتد نمود و بعد از یک دست زدن طولانی به سبک مخصوص دست‌های مقطع و کوتاه می‌زدند و این ابراز احساسات آن قدر ادامه یافت که وقتی بنده خواستم دنباله صحبت را بگیرم، رشته سخن و ربط جمله از هم گسیخته شده بود. در خاتمه صحبت هم قرآن مجید را با مراسم بسیار جالبی به متولی مدرسه تسلیم کردم و در طول مدت اجرای مراسم، مردم بلاانقطاع دست می‌زدند و ابراز احساسات می‌کردند.

به فرارری که مسئولین سفارت شاهنشاهی و افراد دیگری از خارج اظهار میکردند، چنین امری در محیط نجف و کشور عراق سابقه نداشته است که در چنین متینگ بزرگی با حضور جمعیتی به این زیادتی از پادشاه و رئیس دولت یک کشور خارجی به این طرز تجلیل و تکریم به عمل آید و به این میزان ابراز احساسات بشود. نکته جالبی که بیشتر به اهمیت موضوع افزوده بود، این بود که در طی تمام سخنرانی‌ها، مطلقاً اسمی از عبدالکریم قاسم برده نشد و آن وقت نام شاهنشاه و نخست وزیر ایران با چنان وضعی از طرف مردم مورد استقبال قرار گرفت.

نظر به اینکه در فراهم نمودن زمینه ایراد این سخنرانی آقای صیقل سرکنسول شاهنشاهی در کربلا مساعی و اهتمام بسیار نمود، استدعا دارد اجازه فرمایند از طرف مقام معظم جناب آقای نخست وزیر از ایشان کتباً تقدیر شود.

در خاتمه به استحضار خاطر عالی می‌رساند تعداد زوار ایرانی که از طریق قاچاق، بدون گذرنامه به عراق می‌روند، خیلی زیاد شده و اسباب زحمت کنسولگری شاهنشاهی گردیده، به طوری که سرکنسول شاهنشاهی در کربلا اظهار می‌کرد تعداد آنها در یک ماه اخیر به ۲۲۰ نفر رسیده است و قطعاً این موضوع برای پرستیژ مملکت خوب نیست.

مراتب معروض گردید تا به هر نحو که امر می‌فرمایند؛ اقدام شود.

چاکر علی کمالوند [امضا]، ۱۳۴۱/۱۰/۱۲

[حاشیه بالا:] آقای کمالوند، ملاحظه شد، متشکرم، خیلی قابل ملاحظه است. رونوشت به دفتر مخصوص شاهنشاهی تقدیم شد. به وزارت خارجه ارسال دارید. کما اینکه دستور دادم به مراجع معظم نامه تشکرآمیز

اسنادی از افتتاحیه یک مدرسه ایرانی در نجف/ رحیم روح‌بخش

نوشته شود و از کاردار و کنسول [ناخوانا]

اسداله اعلم [امضاء] ۱۳۴۱/۱۰/۱۲

سند شماره ۳

نخست وزیر

تاریخ: ۱۳۴۱/۱۰/۷، شماره: ۴۵۱۱۰

حضور محترم حضرت آیت الله آقای شیخ عبدالکریم زنجانی - دامت برکاته
از ابراز لطفی که نسبت به آقای علی کمالوند، نماینده نخست وزیر مبذول فرموده‌اید، متشکرم. از خداوند
متعال، سلامت وجود مبارک و مزید توفیق عالی را خواستارم.

نخست وزیر، اسداله اعلم

[مهر] صادر شود

سند شماره ۴

نخست وزیر

حضور مبارک حضرت آیت الله العظمی آقای سیدمحسن حکیم - دامت برکاته
عرض می‌شود از تفقد و عنایتی که نسبت به آقای علی کمالوند، نماینده
نخست وزیری مبذول فرموده‌اند، نهایت متشکر و ممنونم. در باب موضوعاتی که پیغام فرموده بودید،
دستور دادم مطالعات لازم و اقدام مقتضی معمول دارند. سلامت وجود مبارک و مزید توفیق حضرت آیت
الله العظمی را در ارشاد شیعیان جهان، از خداوند متعال خواستارم.

نخست وزیر، اسداله اعلم

سند شماره ۵

نخست وزیر

تاریخ: ۱۳۴۱/۱۰/۸، شماره: ۴۵۱۱۲

حضور محترم حضرت آیت الله العظمی آقای سید محمود شاهرودی - دامت برکاته العالیه
بدین وسیله زحمت افزا می‌شود از لطف و عنایتی که نسبت به آقای علی کمالوند، نماینده نخست وزیری
مبذول فرموده‌اید، نهایت امتنان و سپاسگزاری دارم. از خداوند متعال، بقاء سلامت و مزید توفیقات عالی را
در ارشاد شیعیان جهان خواستارم.

نخست وزیر، اسداله اعلم

[مهر] صادر شود

سند شماره ۶

نخست وزیر

تاریخ: ۱۳۴۱/۱۰/۱۸، شماره: ۴۵۱۱۴

محضر محترم حضرت آیت الله آقای سید ابوالقاسم الموسوی الخوئی - دامت برکاته العالیه ضمن استعلام از سلامتی وجود محترم، از لطف و عنایتی که نسبت به آقای علی کمالوند، نماینده نخست وزیری میذول فرموده بودید، بی نهایت متشکرم. در باب موضوعاتی که پیغام فرموده بودید، دستور دادم مطالعات لازم و اقدام مقتضی معمول دارند. مزید توفیقات عالی را در ارشاد شیعیان جهان، از خداوند متعال مسئلت می دارم.

نخست وزیر، اسداله اعلم

[مهر] صادر شود

سند شماره ۷

وزارت امور خارجه

تاریخ: ۱۳۴۱/۱۰/۱۷، شماره: ۷۱۲۶، اداره اول سیاسی

جناب آقای نخست وزیر

رونوشت گزارش شماره ۸۷ مورخ ۱۳۴۱/۱۰/۸ سرکنسولگری شاهنشاهی در کربلا راجع به مراسم افتتاح مدرسه «جامعة النجف» به انضمام یک نسخه از آئین نامه مدرسه مذکور و دو قطعه عکس از مراسم فوق الذکر جهت استحضار تلوا تقدیم می گردد.

[امضا وزیر امور خارجه، عباس آرام]

[حاشیه بالا:] با وجود اینکه جناب آقای کمالوند، گزارش مسافرت خود را به جناب آقای نخست وزیر داده اند، بد نیست معظم له این گزارش را ملاحظه فرماید. آقای صیقل مأمور زبردستی است که در تنظیم گزارشها روحیه کسانی که گزارشهای او را باید بخوانند، در نظر می گیرد و به این منظور گاه گاهی واقعیات را فدای تأثیرات خویش که گزارشهای او را در نظر خواننده خواهد کرد، مینماید، چون آقای کمالوند شاهد آن مراسم بوده اند، خوب است ایشان هم این گزارش را ببینند و اگر حدس بنده درست بود، به عرض جناب آقای نخست وزیر برسد به طور خلاصه اگر مراسم به این صورتی که تشریح شد، انجام گرفته باشد، جای افتخار و سرافرازی است.

۳۰ دی ۴۱ انتظام

[حاشیه پایین:] ملاحظه شد، متشکرم ۱۳۴۱/۱۲/۸

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۵۳۱۸/۴

تاریخ: ۱۳۴۱/۱۰/۱۷

سند شماره ۸

[شیر و خورشید]

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران

کربلا-حله- دیوانیه

تاریخ: ۱۳۴۱/۱۰/۸، شماره: ۸۷

وزارت امور خارجه

جناب آقای کمالوند، مدیرکل نخست وزیری که به نمایندگی از طرف جناب آقای نخست وزیر برای شرکت در جشن افتتاح مدرسه جامعه النجف که از طرف آقای حاج محمدتقی اتفاق بازرگان نیکوکار ایرانی در نجف اشرف بنا شده، اعزام گردیده بودند، به اتفاق آقای غروی نماینده وزارت فرهنگ، مقارن ظهر یکشنبه دوم دیماه به کربلا وارد و برای تجلیل از آقایان مزبور، ضیافت ناهار مجلی در عمارت سرکنسولگری ترتیب داده بود که از آقای استاندار کربلا و شهردار و آقایان کلیددارهای حرمین شریفین و آقای حاج محمدتقی اتفاق و رئیس دبیرستان حسینی ایرانیان در کربلا نیز دعوت کرده و همگی حضور داشتند و با آقایان آشنا شدند. بعد از ظهر هم به بازدید مدرسه حسینی ایرانی پرداخته و از کلاس‌ها دیدن نمودند و شب را در سرکنسولگری شاهنشاهی بیتوته کردند.

صبح روز دوشنبه سوم دی ماه، به اتفاق آقایان به نجف اشرف حرکت و پس از تشریف به آستان ملک، پاسبان حضرت امیرمؤمنان - علیه السلام - طبق اظهار تمایلی که آقایان کمالوند و غروی نموده بودند، ابتدا به ملاقات آیت الله آقاسیدمحسن حکیم رفتیم. آقای کمالوند سلام و مراتب احوالپرسی جناب آقای نخست وزیر را به آقای حکیم ابلاغ و ایشان هم ضمن اهداء سلام و اظهار تشکر به وجود مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه اسلام پناه دعای مخصوص کردند و مراتب تشکر خود را از جناب آقای نخست وزیر و اولیای دولت در اقدامی که برای رفاه حال مردم به عمل می آورند اظهار و مخصوصاً از اقدامی که برای عدم اجرای تصویب‌نامه مربوط به انتخابات شهرداری‌ها و انتخاب بانوان به عمل آورده‌اند، اظهار امتنان نموده و ضمن تشکر از اجابت تقاضای ایشان در تأسیس کنسولگری شاهنشاهی در مدینه منوره و ساختمان آسایشگاه حجاج ایرانی در آن شهر، خواهش کردند که زودتر این دو موضوع عملی شود که در موسم حج آینده آماده باشد. آقای کمالوند هم وعده دادند مراتب را به عرض جناب آقای نخست وزیر برسانند.

بعد چون آیت الله خوئی به واسطه کسالت به کاظمین رفته بودند و آیت الله شاهرودی هم مجلس روضه داشتند، به ملاقات آیت الله آقاشیخ عبدالکریم زنجانی رفتند. آقای زنجانی که از دعاگویان اعلی حضرت همایون شاهنشاه و هواخواه دولت هستند، شرح مفصلی از مراتب عدالت و دینداری و رأفت اعلی حضرت همایونی بیان داشتند و متذکر شدند چند سال قبل که حضور مبارک ملوکانه شرفیابی حاصل کردم، فرمودند موقعی که در سوئیس تحصیل می فرمودند، برای ادا نماز دچار تردید در تعیین قبله شدند و در حیرت بودند چگونه فریضه نماز را بدون دانستن قبله به جا آورند و اگر به این علت نماز نخوانند، چطور

شکرانه نعمت‌هایی را که خداوند متعال به معظم له عطا فرموده، ادا نمایند و بالاخره به آن چهرتی که احتمال می‌رفت قبله باشد، نماز گزارند، و از آقای زنجانی سؤال فرموده بودند که آیا نماز من صحیح بود یا نه، آیتالله زنجانی هم صحت نماز معظم له را تأیید نمودند.

این جملات را آقای زنجانی با یک حرارت و ایمان صادقانه‌ای ادا می‌فرمودند و می‌گفتند ما به داشتن چنین پادشاه مسلمان و باایمانی افتخار و مباهات میکنیم و همه مسلمانان بایستی ایشان را تأیید پشتیبانی نمایند. سپس از صدور تصویرنامه مربوط به القای موضوع انتخاب زنان در انجمن‌های شهرداری، ابراز خوشوقتی کردند. بعد هم مطالبی راجع مبارزه شدید به مرام کمونیستی و جلوگیری از فساد اخلاق و نمایش برخی فیلم‌های منافی اخلاق، تذکراتی به آنان کمالوند دادند تا به عرض جناب آقای نخست وزیر برسند. از ایشان اظهار تشکر کرده و آقای کمالوند هم وعده دادند پیام‌های ایشان را به جناب آقای نخست‌وزیر گزارش دهند.

سپس به ملاقات آیت‌الله آقا سید محمود شاهرودی رفتند. ایشان هم ابتدا به وجود مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه دعای فراوان نموده و موفقیت و مزید عزت و شوکت مقام شامخ سلطنت مسلمان ایران را خواستار و در مقابل عده زیادی از طلاب و اهل علم که در محضرشان حضور داشتند، اظهار نمودند تمام تعالیم اسلامی به ما امر می‌کند که از سلاطین و اولیای امور اطاعت کنیم، مخصوصاً اگر پادشاه مسلمان و رؤف و عادل چون اعلی حضرت همایون شاهنشاه کنونی داشته باشیم و خداوند متعال صریحاً در قرآن کریم فرموده اند: «یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» و هر کس از این دستور خداوندی، یعنی اطاعت اولیای امور سرپیچی کند، خلاف دستور خداوند متعال و تعالیم اسلامی رفتار نموده است.

سپس به منزل مرحوم آیت الله سید عبدالهادی شیرازی رفته و از فرزندان آن مرحوم، آقایان سید محمد علی و سید ابراهیم دلجوئی و مراتب تسلیت جناب آقای نخست وزیر را به آنان ابلاغ کردند و آنها هم به وجود مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه و خاندان جلیل سلطنت، دعای فراوان کرده، موفقیت جناب آقای نخست وزیر را در خدمت به مردم خواستار شدند. بعد از انجام این ملاقات‌ها، به بازدید دبیرستان علوی ایرانیان در نجف و بعد هم به تماشای کتابخانه امیرالمؤمنین - علیه السلام - که به همت یکی از علمای ایرانی موسوم به آقای شیخ عبدالحسین امینی احداث گردید و دارای ۱۵۰ هزار جلد کتاب و نسخ خطی بسیار نفیسی است، رفتند.

چون ساعت پنج بعد از ظهر همان روز (دوشنبه سوم دیماه ۱۳۴۱) وقت شروع جشن افتتاح مدرسه جامعه النجف معین شده بود، آقای کمالوند، نماینده جناب آقای نخست وزیر و آقای غروی، نماینده وزارت فرهنگ و بنده به آنجا رفتیم و قبلاً شاه‌نشین مدرسه را برای جلوس جناب آقای دکتر مشایخ فریدنی، وزیرمختار و کاردار شاهنشاهی که سمت نمایندگی جناب آقای وزیر امور خارجه را هم در جشن مزبور داشتند و نمایندگان جناب آقای نخست وزیر و وزارت فرهنگ و کارمندان عالی‌رتبه سفارت کبرای شاهنشاهی انتصاب نموده و مأموریتی گماشته شده بودند که مانع ورود اشخاص متفرقه به آنجا بشوند. در همان هنگام نیز جناب آقای دکتر مشایخ فریدنی و همراهان وارد و همگی مورد احترام مردم قرار گرفتند.

این قسمت را نیز لزوماً به عرض می‌رساند که جناب آقای دکتر مشایخ فریدونی، وزیر مختار و کاردار شاهنشاهی، در نتیجه حسن سلوک و فضایل اخلاقی و تبخر در ادبیات عربی، یک احترام خاصی در میان آقایان علما اعلام و اهل علم دارند که همه با نظر احترام به ایشان می‌نگرند.

برنامه جشن طوری تنظیم شده بود که فقط مدیر اداری مدرسه نطقی دائر به تاریخچه بنای جامعه‌النجف ایراد و هفت تن از شعرا و خطبای مذهبی نجف، اشعاری راجع به مبعث حضرت رسول اکرم (ص) که مصادف با آن شب بود و اهمیت تاریخی و علمی و مذهبی شهر نجف و تأثیر بنای چنین مدرسه‌ای در حوزه علمیه آنجا ایراد شود و هیچگونه ذکر از سرلشکر عبدالکریم قاسم و رجال عراقی و سایر کشورهای اسلامی به میان نیاید و جز به زبان عربی هم به زبان دیگری صحبتی نشود. چون جناب آقای کمالوند به نمایندگی از طرف جناب آقای نخست‌وزیر ایران در جشن مزبور حضور به هم رسانده و یک جلد کلام الله مجید و یک دوره «تفسیر ابوالفتوح رازی» و کتاب «مأموریت برای وطنم» تألیف ذات مقدس همایونی را برای کتابخانه جامعه‌النجف هدیه و ارمغان آورده بودند و لازم بود نطقی به زبان فارسی از طرف ایشان ایراد شود.

قبلاً با متصدیان جشن راجع به این مطلب مذاکره نمودم، ولی همه متفقاً خواهش کردند چون قبلاً تصمیم گرفته شده که هیچ‌کس خارج از موضوعی که در فوق بدان اشاره شد، نطقی ایراد ننماید، ایشان هم اظهاری نکنند و آنان سیدمحمد کلانتر مدیر اداری مدرسه در نطق افتتاحیه خود اشاره‌ای به آمدن ایشان و اهداء کلام الله مجید و تفسیر ابوالفتوح رازی بنمایند. و چون این عمل برای بنده ناگوار بود که در جشن افتتاح یک مؤسسه عظیمی که کلیه هزینه آن از طرف یک بازرگان ایرانی پرداخت شده، نامی از اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه بزرگ اسلام پناه ایران برده نشود، در مقام اقدام برآمده و پس از آنکه جشن افتتاح شد، نزد استاندار کربلا که در آنجا حاضر بود رفتم و به ایشان گفتم اگر موافقت بفرمایید در خاتمه جشن، جناب آقای کمالوند چند کلمه‌ای به فارسی ایراد و مأموریت خود را به اطلاع حضار برسانند، موجب امتنان مخصوص خواهد بود. ایشان هم پس از مذاکره با رئیس سازمان امنیت نجف، موافقت خود را اظهار و حضوراً موضوع را به مدیر اداری مدرسه ابلاغ نمودند و پس از خاتمه قصائد، آقای کمالوند به میز خطابه رفته و نطقی را که رونوشت آن به پیوست تقدیم می‌شود (ضمیمه ۱) ایراد کردند و همین که نام اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه را به زبان آوردند، چنان احساسات پرشور و بی‌نظیری از طرف حاضرین که بیش از پنج هزار نفر می‌شدند بروز کرد و با کف زدن‌های ممتدی که نسبت به هیچ یک از ناطقین ابراز نگردیده بود، اظهار مسرت و خوش‌وقتی کردند که موجب اعجاب همه حضار و تا اندازه‌ای نگرانی مأمورین انتظامی گردید که در مجلسی که به هیچ وجه نامی از رئیس دولت عراق نبردهاند، چگونه مردم چنین احساسات پرشور و بی‌سابقه‌ای را ابراز می‌دارند و ممکن است برای آنها اسباب زحمتی تولید کند.

چون کلام الله مجید اهدائی جناب آقای نخست‌وزیر و سایر کتب را قبلاً با یکی از کارمندان سرکنسولگری به نزدیک میز خطابه فرستاده بودم تا موقع اهدا آنها را در دسترس آقای کمالوند قرار دهند، همین که نطق ایشان به پایان رسید و کلام الله مجید را اهدا کردند، مجدداً مردم با کف زدن ممتد که در حدود پنج دقیقه طول کشید، چنان شور و شعفی به خرج دادند و مجدداً نسبت به اعلی‌حضرت همایون

شاهنشاه ابراز احساسات کردند که خود اهالی نجف می‌گفتند به هیچ وجه سابقه ندارد اهالی نجف این طور نسبت به شخصیتی ابراز احساسات نموده باشند. چون قبلاً فکر نموده بودم اگر نطق آقای کمالوند در اول یا اواسط جشن ایراد شود، ممکن است از طرف مأمورین محلی کسانی را برانگیزند که نطق‌هایی هم به نفع زمامداران عراق بنمایند، از این رو نطق ایشان برای ختم مجلس قرار داده شد و به عنوان «حسن خاتمه» یا «مسک الختام» تلقی گردید و بدین جهت پس از خاتمه نطق ایشان، مراسم جشن افتتاح خاتمه یافته و مردم متفرق شدند و مجالی برای نطق دیگری باقی نماند و باید عرض کنم که نطق آقای کمالوند، بی‌اندازه مؤثر واقع گردید و خود مردم می‌گفتند اگر دولت ایران مبالغ‌گزافی خرج می‌کردند؛ امکان نداشت چنین تظاهرات بی‌شائبه و خالصانه‌ای نسبت به ایران ابراز شود. این را هم باید عرض کنم که تمام این اقدامات، بدون تظاهر و به کلی زیر پرده انجام گرفت و بدون اینکه کسی متوجه اقدامات نماینده ایران بشود، جامه عمل پوشید.

اخلاق عالیّه و متانت و رزانت آقای کمالوند نیز خیلی مؤثر بود و می‌توانم به جرئت به عرض برسانم که ایشان با نهایت شایستگی و برازندگی، نمایندگی و مأموریت خود را به نحو احسن انجام دادند و همه آقایان از این حسن انتخاب، ابراز مسرت و خوش‌وقتی می‌کردند. آقای غروی هم، الحق و الانصاف در ملاقات با آقایان علماء، اعلام آنچه لازم بود از توجهات مخصوص اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه نسبت به روحانیون و ترویج شعائر اسلامی، داد سخن می‌دادند [میگفتند] و مأموریت خود را کماهو حقه، با موفقیت به پایان رسانیدند.

عکس‌هایی که در موقع ایراد نطق آقای کمالوند و اهداء کلام الله مجید و سایر کتب برداشته شده، به پیوست تقدیم می‌شود (ضمیمه ۲)

پس از خاتمه جشن، مقارن ساعت یازده بعد از ظهر همان روز، مجدداً به کربلا مراجعت و در سرکنسولگری اقامت نمودند. روز سه‌شنبه ۴ دیماه که مصادف با روز مبعث بود، آقای سید بدرالدین ضیاءالدین، کلیددار حضرت ابوالفضل - علیه‌السلام - که نسبت به اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه، بندگی و ارادت خاصی دارند، به افتخار هیأت اعزامی ایران، ضیافت ناهار بسیار مجللی در مهمانخانه جدیدالتأسیس کربلا برپا نمود و از بنده و استاندار و کلیه رؤسای ادارات محلی و علما و اشراف دعوت کرده بودند. در مجلس مزبور، تمام صحبت در زمینه ترقیاتی که تحت راهنمایی خردمندان شاهنشاه معظم و محبوب ما نصیب کشور گردیده، دور می‌زد و آقای سالم عبدالرزاق استاندار کربلا که فدویت خاصی نسبت به ذات مبارک همایونی دارد، از پیش‌بینی‌های مدیرانه و خردمندانه اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه در توزیع املاک سلطنتی بین کشاورزان اظهار مسرت و شادمانی میکرد و به حاضرین می‌گفت استقرار و امنیت و سعادت ایران، مرهون و همین اقدامات و پیش‌بینی‌های مدیرانه معظم له می‌باشد.

اینک لزوماً مختصری از ساختمان مدرسه جامعه النجف را برای استحضار خاطر محترم، ذیلاً به عرض می‌رساند: نجف اشرف از سال ۴۴۸ هجری که ابوجعفر محمد بن حسن طوسی معروف به «شیخ الطائفه» در آنجا رحل اقامت افکند و حوزه علمیه شیعه را تأسیس نمود، تاکنون مرکز تعلیمات شیعه بوده و اکثر علمای شیعه

در آنجا تحصیل کرده و در اثر وجود مرقد مطهر حضرت مولای متقیان علی - علیه السلام همه روزه بر رونق و شوکت آن افزوده می‌شود. و در نتیجه کثرت طلاب علوم دینی و عدم وجود مدارس کافی، طوری شده است که در هر یک از حجره‌های کوچک، دو یا سه نفر طلبه اقامت دارند.

آقای حاج محمدتقی اتفاق که از بازرگانان نیک‌نام و خیر و عالی نظر تهران هستند، در هفت سال قبل، یعنی سال ۱۳۳۴، برای اینکه نام نیکی از خود به یادگار گذارند، در مقام ساختمان مدرسه‌های با اسلوب جدید برای تحصیل طلاب علوم دینی در نجف اشرف برآمدند و قطعه زمینی به مساحت پنج هزار متر مربع در خارج شهر در منطقه بسیار خوش آب و هوایی در راه کوفه خریداری و سنگ اساسی آن را بنا نهادند. ساختمان جامعه النجف که مدت هفت سال طول کشیده، روی زمینی به مساحت ۲۶۰۰ متر مربع بنا شده و مرکب از چهار طبقه است.

۱- طبقه زیرزمینی که دارای سالن‌های وسیعی برای اقامت در فصل تابستان و انبار و آشپزخانه و سالن کنفرانس تابستانی می‌باشد.

۲- سه طبقات دیگر بالای آن دارای ۲۲۸ اتاق خواب و اقامت طلاب است که هر اتاق دارای یک گنجینه لباس و قفسه‌بندی‌های کتاب و مجهز به رختخواب و بادزن برقی است. و بین هر دسته از اتاق‌ها یک سالن بزرگی که دارای بادزن‌های برقی سقفی و چراغ‌های نیون است قرار دارد. در هر گوشه از ابعاد چهارگانه طبقه‌های سه‌گانه عمارت، وسایل صحنی جدید که عبارت از پنج حمام و شش دستشویی دارای آب گرم و سرد و پنج مستراح است، وجود دارد.

در وسط عمارت، حیاطی به مساحت ۷۲۰ متر مربع ساخته شده که وسط آن استخر، آب‌نمای مجللی از کاشی‌های بلوری سفید و فواره‌های زیبا قرار گرفته و دور استخر گل‌کاری شده و نرده‌ای آهنین آن را از حیاط، مجزا می‌کند.

نمای خارجی عمارت و همچنین کتیبه‌های بین طبقات آن، همه با کاشی‌های بسیار زیبای ساخت ایران که روی آنها آیاتی از کلام الله مجید و احادیث شریفه نبوی و کلمات قصار ائمه اطهار نوشته شده، تزئین گردیده که رونق خاصی به این بنا می‌دهد. در عمارت مزبور، مسجد بزرگ و کتابخانه وسیعی بنا شده است که همه‌گونه وسایل آسایش در آنها قرار گرفته و راحت طلاب پیش بینی شده است.

هزینه خرید زمین و ساختمان مدرسه وسایل موجوده آن بالغ بر ۲۰۰ هزار دینار عراقی، یعنی مساوی ۶۵ میلیون ریال ایرانی شده است که آقای حاج محمدتقی اتفاق از کیسه فتوت خود آن را برداشته‌اند.

یک نسخه از نشریه مربوط به ساختمان جامعه النجف که به عربی منتشر شده، به پیوست تقدیم می‌گردد.

سرکنسول: عباس صیقل

سند شماره ۹

[شیر و خورشید]

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران

کربلا-حله- دیوانیه

ضمیمه شماره (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضار محترم

افتخار دارم که به نمایندگی از طرف جناب آقای نخست وزیر دولت شاهنشاهی ایران در جشن فرخنده افتتاح جامعه النجف، شرکت نمایم.

جناب آقای نخست وزیر که همواره به پیروی از منویات اعلی حضرت همایون شاهنشاه به ترویج شعائر دینی و احترام به حضرات آقایان علماء اعلام و پیشوایان عالی قدر مذهبی علاقه مخصوصی دارند، مایل بودند شخصاً به عتبه بوسی آستان مقدس مولی الموحدين شرکت در این جشن فرخنده حضور به هم رسانند، ولی متأسفانه به علت گرفتاری های گوناگون و تراکم امور، نتوانستند به این آرزو جامه عمل پوشند و این افتخار را به این جانب محول فرمودند.

امیدوارم که این مؤسسه بزرگ علمی که به همت والای رادمرد نیکوکار، آقای حاج محمدتقی اتفاق بنا شده، پیوسته مرکز خدمات بزرگ علمی و اخلاقی نسبت به عالم اسلام بوده و هزاران مجتهد عالی قدر در این مؤسسه تربیت شوند.

جناب آقای نخست وزیر برای یادبود افتتاح این دانشگاه بزرگ اسلامی و به منظور تحرک و تبیین، یک جلد کلام الله مجید و یک دوره تفسیر ابوالفتوح رازی به کتابخانه جامعه النجف اهدا فرموده اند که تقدیم می نمایم و توفیق آقایان محترم را از خداوند متعال خواستارم.

سند شماره ۱۰

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

مدرسه جامعه النجف

آقای حاج محمدتقی اتفاق: همت والای جناب عالی در تأسیس دانشگاه اسلامی (جامعه النجف) که یادگار فرخنده ای از ایران و ایرانی در نجف اشرف می باشد، شایان تحسین و تقدیر است. از خداوند متعال برای شما توفیق خدمت بیشتری خواستارم.

نخست وزیر، اسداله اعلم